

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اراک

دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی

**سبک‌شناسی لحن نهج البلاغه**

**(با محوریت خطبه قاصعه)**

**پژوهشگر**

**فاطمه ورمزیادی**

**استاد راهنما**

**دکتر قاسم مختاری**

**استاد مشاور**

**دکتر محمد جرفی**

**زمستان ۱۳۹۲**

بسم الله الرحمن الرحيم

سبک شناسی لحن نهج البلاغه (با محوریت خطبه قاصعه)

توسط:

فاطمه ورمزیادی

پایان نامه

ارائه شده به مدیریت تحصیلات تکمیلی به عنوان بخشی از فعالیت های تحصیلی  
لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات عربی

از

دانشگاه اراک

اراک-ایران

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان نامه با درجه:

دکتر قاسم مختاری (استاد راهنما)..... دانشیار

دکتر محمد جرفی (استاد مشاور)..... استادیار

دکتر محمود شهبازی (داور داخلی)..... استادیار

اسفند ۱۳۹۲

تقدیم بہ:

ہمای رحمت، سید العارفین

و مولیٰ الموحّدین و امیر المؤمنین،

علی بن ابی طالب (ع)

بود کہ قبول اقتدو در نظر آید.

سپاس فراوان ایزدپاک را که بلند است نام او. سپاس او را که زبان به بر شمردن انعامش قاصرو به شکر الطافش عاجز است. سپاس او را که دانستن را ارج نهاد و قلم را شایستگی سوگند عطا کرد و مراد راه آموختن که تجلی نور اوست، یاریگر بود.

ابا به آن حکم که، هر که پاسگزار مخلوق نباشد، خالق را نیز سپاس نخواهد گفت، بر خود فرض می دانم، از تمامی کسانی که تا رسیدن به این مرحله مرا همون مهربانی، حمایت، راهنمایی، و یاری خود نمودند، شکر و قدر دانی نمایم:

از استاد ارجمند جناب آقای دکتر محترمی که راهنمایی این پایان نامه را پذیرفتند؛

از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر حریفی که مشاور این پایان نامه بودند؛

از پدرم که پناه و پشتیبان همیشگی ام است و مادرم که همواره مست جام محبتش هستم؛

از همسر همراه و صبورم که عشق و پاکی و راستی اش را توان قدر دانی ام نیست؛

و از همه ی آنهایی که در این راه یاری ام کردند.

## چکیده

لحن به معنی آهنگ سخن، یکی از مواردی است که باعث شخصی سازی زبان می‌شود؛ زیرا بیانگر دیدگاه گوینده درباره‌ی موضوع یا احساس وی درباره‌ی مخاطبان است که ذهنیت شخصی مؤلف را بیان می‌کند. با توجه به این ویژگی، بررسی لحن اثر در دانش سبک‌شناسی حائز اهمیت است؛ زیرا به وسیله‌ی آن می‌توان به سبک نویسنده که همان افکار و اندیشه و شخصیت اوست، دست یافت. لحن در زبان گفتار، نسبت به زبان نوشتار، به آسانی تشخیص داده می‌شود؛ زیرا در زبان گفتار، گوینده، حاضر است و علاوه بر متن کلام، از شگردهای آوایی مختلف، حرکات چهره و بدن برای بیان فکر و اندیشه‌ی خود استفاده می‌کند و لحن مورد نظر خود را به مخاطبان انتقال می‌دهد. اما در زبان نوشتاری، تنها عنصر تشخیص لحن، متن اثر بدون ویژگی‌های خاص زبان گفتار می‌باشد؛ از این رو، برای تشخیص لحن اثر، بررسی عناصر سازنده‌ی آن، یعنی آوای متن، کلمات و ترکیب آن-ها، ساختار جملات و نوع آن‌ها، تصویرسازی و بلاغت متن، در لایه‌های آوایی، لغوی، نحوی و بلاغی ضروری می‌باشد.

خطبه قاصعه، به عنوان نمونه‌ای از خطبه‌های نهج البلاغه، از آثار گفتاری امام علی (ع) می‌باشد که پس از ایشان به صورت نوشتار به یادگار مانده است. از میان موضوعات مختلف این خطبه، لحن موضوعات حمد خداوند، نکوهش ابلیس، موعظه و ذکر فضائل امام (ع)، براساس لایه‌های آوایی و نحوی، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. دیدگاه امام در حمد خداوند منطقی است؛ از این رو، نحو کلام ایشان لحنی آرام و کُند و قاطعانه و اثباتی دارد و آوای آن که احساس حضرت را بیان می‌کند، لحنی روان و لطیف و ستایشگرانه دارد. حضرت نگاه نکوهش‌گر خویش را نسبت به ابلیس با کاربرد لحنی کاملاً منطقی و قاطعانه در دستور زبان خود برای مخاطبان بیان می‌کند و احساس خویش را نسبت به او در آوای کلام خود با لحنی خشک و کُند و سرزنشگرانه ابراز می‌کند. لحن حضرت در موعظه هشداردهنده و اندازی است تا احساس ایشان را نسبت به موضوع، به مخاطبان انتقال دهد. بیان فضائل براساس ساختار نحوی کلام با لحنی تفاخرآمیز و قاطعانه همراه است و براساس آوای کلام که هماهنگ با جملات است گاهی لحن کوبنده و جدی و گاهی لحن لطیف و روان دارد.

**کلیدواژه‌ها:** سبک‌شناسی، لحن، لایه‌ی آوایی، لایه‌ی نحوی، نهج‌البلاغه، خطبه قاصعه

## فهرست مطالب

چکیده.....

مقدمه.....

### فصل اول:

سبک..... ۴-۶

لغت سبک

اصطلاح سبک

سبک شناسی..... ۶-۸

تحلیل سبک شناسی

### فصل دوم:

لحن..... ۱۰-۱۴

لغت و اصطلاح لحن

لحن در گفتار و نوشتار

لحن و سبک

### فصل سوم:

لایه‌ی آوایی..... ۱۶-۲۸

آواهای زنجیری

آواهای زبرزنجیری

لایه‌ی نحوی..... ۲۸-۴۱

لحن جمله‌های مستقل و غیرمستقل

لحن جمله‌های اسمیه و فعلیه

لحن جمله‌های خبری و انشائی

لحن جملات احساسی

لحن صریح

لحن غیر صریح (ضمنی)

## فصل چهارم

۴۳ ..... خطابه و خطیب

۴۴-۴۵..... مختصری از نهج البلاغه.

## فصل پنجم

۴۷-۴۸..... خطبه قاصعه.

۴۹-۵۴..... بخش اول: حمد خداوند

سبک حمد خداوند در نهج البلاغه

۵۵-۶۰..... بخش دوم: نکوهش ابلیس

سبک نکوهش ابلیس در نهج البلاغه

۶۱-۹۵..... بخش سوم: موعظه

سبک موعظه در نهج البلاغه

۹۶-۱۱۸..... بخش چهارم: فضائل امام علی (ع)

سبک ذکر فضائل در نهج البلاغه

۱۱۹-۱۲۰..... نتیجه گیری

۱۲۱-۱۲۵..... منابع



## مقدمه:

ویژگی خاص لحن، بیان احساسات و افکار نویسنده درباره‌ی موضوع اثر و مخاطبان آن می‌باشد؛ از این رو لحن در سبک‌شناسی برای بیان سبک شخصی نویسنده حائز اهمیت است و برای بیان تمایز سبک یک نویسنده با سایر نویسندگان در بیان یک موضوع کاربرد دارد. لحن اثر همانند سبک آن در لایه‌های آوایی، صرفی، نحوی و بلاغی متن قرار دارد اما در بررسی لحن در هر لایه احساسات و افکار نویسنده نسبت به موضوع و مخاطبان نیز بیان می‌شود.

پژوهش‌ها تئوری و کاربردی درباره‌ی لحن با این تعریف در زبان فارسی و عربی اندک و انگشت شمار است. در زبان عربی می‌توان به مقاله‌ی «التنغیم و أثره في اختلاف المعنى و دلالة السياق» از دکتر سهل لیلی و در زبان فارسی به مقاله‌ی «عوامل (ایجاد)، (تغییر و تنوع) و (نقش) لحن در شعر» از دکتر محمد رضا عمران پور اشاره کرد همچنین کتاب «سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها» از دکتر محمود فتوحی نیز به اصطلاح لحن و نقش آن در سبک‌شناسی اشاره شده است.

پژوهش‌های بسیاری سبک نهج البلاغه را در قالب رویکردهای آوایی، صرفی، نحوی و بلاغی با عناوینی نظیر، سبک‌شناسی نهج البلاغه، سبک‌شناسی زبانی خطبه‌های نهج البلاغه، سبک‌شناسی ادبی نهج البلاغه مورد بررسی قرار داده‌اند که هر یک بنابر رویکردی یا رویکردهایی به تحلیل خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های آن پرداخته‌اند، اما بررسی سبک نهج البلاغه براساس لحن امام(ع) در خطبه‌ها به بیان احساسات و افکار حضرت درباره‌ی موضوعات و مخاطبان از طریق بررسی لایه‌ها می‌پردازد. بر این اساس، لحن یک خطبه متناسب با پرداختن به موضوعات مختلف تغییر می‌کند، یک خطبه با لحن آرام و منطقی آغاز می‌شود سپس با اشاره به موضوعی دیگر لحن احساسی و عتابی به خود می‌گیرد که لحن منطقی بیانگر دیدگاه حضرت نسبت به موضوع و لحن عتابی بیانگر احساس حضرت نسبت به مخاطبان می‌باشد. موضوعات تکرار شده در خطبه‌ها غالباً با لحن یکسانی بیان می‌شوند تا ثبات دیدگاه و احساس حضرت را نسبت به یک موضوع بیان کنند که در مجموع بیانگر سبک خاص حضرت در هر یک از موضوعات می‌باشد.

در این پژوهش که با روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است از میان خطبه‌های متعدد نهج البلاغه، به بررسی لحن خطبه قاصعه پرداخته شده است. این خطبه از موضوعات مختلفی از جمله، حمد خداوند، نکوهش ابلیس، موعظه، حکمت آزمایش خداوند، فلسفه‌ی حج، ذکر فضائل امیرالمؤمنین و... تشکیل شده است. که چهار موضوع، حمد خداوند، نکوهش ابلیس، موعظه و ذکر فضائل امام(ع)، از نظر لحن بیان مورد بررسی قرار گرفته‌اند. سپس خطبه‌هایی که از نظر موضوعی با یکی از این چهار موضوع مشترک بودند، ذیل هر موضوع، ذکر شده‌اند و یک خطبه به عنوان نمونه، برای بیان مشابهت لحنی مورد تحلیل قرار گرفته است.

مباحث تئوری پژوهش به منظور شرح و توضیح بیشتر، در قالب چهار فصل بیان شده‌اند. در فصل اول به تعریف سبک و سبک‌شناسی و تحلیل آن اشاره شده است. در فصل دوم، لحن از نظر لغت و اصطلاح، تفاوت آن در زبان گفتار و نوشتار و رابطه‌ی آن با سبک مورد بررسی قرار گرفته است و در فصل سوم، عناصر بررسی لحن را در دو لایه‌ی آوایی و نحوی مورد تحلیل قرار داده و عوامل ایجاد لحن صریح و غیر صریح بیان شده است. فصل چهارم درباره‌ی خطبه و خطیب و ویژگی‌های نهج البلاغه می‌باشد، اما فصل پنجم با اشاره‌ی جزئی به محتوای خطبه قاصعه آغاز می‌شود سپس مباحث تئوری فصل سوم (لایه‌ی آوایی، نحوی و لحن صریح و غیر صریح) به صورت کاربردی در چهار موضوع جزئی خطبه قاصعه یعنی، حمد خداوند، نکوهش ابلیس، موعظه و ذکر فضائل امام(ع) مورد بررسی قرار گرفته‌اند تا بیانگر لحن متفاوت حضرت در هر موضوع باشند و به طور کلی به سبک خاص حضرت در هر موضوع اشاره نمایند.

## فصل اول:

بک

- لغت بک
- اصطلاح بک

بک‌شناسی

تحلیل بک‌شناسی

## لغت سبک:

واژه‌ی سبک از «سبک» به معنای ریخته‌گری است و به صورت دقیق به معنای ریختن طلا یا نقره ذوب شده در یک قالب آهنی است (فراهیدی، ۱۴۱۰هـ، ج ۵: ۳۱۷).

با وجود اینکه این واژه از زبان عربی أخذ شده است ولی معادل آن به معنای اصطلاحی امروزی واژه‌ی «الأسلوب» می‌باشد، که صاحب لسان العرب، این کلمه را به معنای راه و روش آورده است و آن را معادل «فن» می‌داند (ر.ک: ابن منظور، ۱۴۱۴هـ، ج ۱: ۴۷۱). در حقیقت زمانی که گفته می‌شود به اسلوب فلانی عمل کردم، یعنی راه و روش او را در پیش گرفتیم (مصطفی و دیگران، ۱۹۸۹م: ۴۴۱).

واژه سبک، در زبان‌های لاتین «Style» از ریشه‌ی «stilus» یعنی «قلم» مشتق شده است. بعدها این واژه به طور مجازی، به معنای شیوه‌ی نگارش با دست بود و سپس به بیان‌ها و تعبیرات زبان ادبی اطلاق شد (صلاح فضل، ۱۹۹۸م: ۹۳).

## اصطلاح سبک:

سبک به معنای عام، در زمینه‌های گوناگونی، نظیر: سبک زندگی، سبک کار، سبک نویسنده‌ی مشخص، سبک موسیقی ویژه و... به کار می‌رود (درویش، ۱۹۸۴م: ۶۰) و به معنای خاص در ادبیات، شامل تعاریف مختلفی است از جمله:

«طريقة خلق الفكرة و توليدها و إبرازها في الصورة اللفظية المناسبة» (الزيات، ۱۹۶۷م: ۷۶). «(سبک) شیوه‌ی آفرینش و تولید اندیشه و بیان آن در قالب تصویر زبانی مناسب می‌باشد.»

«دراسة بلاغية تحليلية لأصول الأساليب العربية ويعكس أفكاره ويظهر صفاته الإنسانية.» ( : ) «سبک بررسی بلاغی و کاربردی قواعد عربی است که اندیشه‌ها و خصوصیات اخلاقی و فردی نویسنده را بیان می‌کند.»

«فبالأسلوب خلق مستمر، خلق الألفاظ بواسطة المعاني، و خلق المعاني بواسطة الألفاظ، فالأسلوب ليس المعنى وحده و لا اللفظ وحده، و إنما هو مركب فني من عناصر مختلفة يستمدّها الفنان من ذهنه و من نفسه و من نوقه، و تلك العناصر هي الأفكار و الصور و

العواطف، ثم الألفاظ المركبة و المحسنات المختلفة.» (عبدالمطلب، ۱۹۹۴م: ۹۹). «سبک آفرینش مداوم و پیوسته است، آفرینش لفظ به وسیله‌ی معنا و بالعکس؛ به عبارت دیگر، سبک معنای بدون لفظ و لفظ بدون معنا نیست؛ بلکه، ترکیبی خاص از عناصر مختلف است که هنرمند آن‌ها را از ذهن و ذوق و قریحه‌ی خود کسب می‌کند. این عناصر در درجه‌ی اول شامل افکار، شکل‌های زبانی و احساسات می‌باشند سپس الفاظ مرکب و آرایه‌های مختلف زبانی.»

الرافعی معتقد است که سبک با خالق آن، مرتبط است و می‌گوید: «حتیٰ إنّنا یمکن أنّ نمسک بإحساساته من خلال تعبیره، و نستطیع أنّ نعین فی آی موضع من الکلام کانت زفرة الضّجر من صانعه، و علیٰ آی کلمة وقفت أنفس الملل، و عند أي مقطع کانت فترة الطبع و این ضاق و این اتسع» (صادق الرافعی، ۱۹۶۱م: ۲۷۲). «می‌توان به وسیله‌ی تعبیر نویسنده به احساسات او دست یافت به گونه‌ای که با بررسی سبک متن می‌توان گفت که کلام در چه عبارتی غم و اندوه نویسنده‌اش را بیان می‌کند، در کدام کلمه احساسات اندوهگین می‌شوند و یا اینکه در کدام جمله دلتنگی او اوج می‌گیرد.»

بنابر تعاریف فوق، سبک در اصطلاح ادبیات، بیانگر اندیشه و احساسات نویسنده با استفاده از عناصری نظیر افکار، صورت‌های بیانی و عاطفه می‌باشد.

«از قرن دوازدهم میلادی، دو مفهوم در مورد سبک به وجود آمد، که تا کنون توجه ناقدان را به خود جلب کرده‌است:

۱. مفهوم شکلی: این مفهوم از سبک امتداد بلاغت قدیم می‌باشد که از نظر آن، سبک همان شیوه‌ی بیان زبانی افکار است که در شکل‌های زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

- آهنگ یا ارزش‌های آوایی کلمه که سه امر را شامل می‌شود: الف) ارتباط آوا با معنای کلمه، ب) ارتباط اختلاف آهنگ با تأثیر اتفاقات در شنونده، ج) ارتباط اختلاف آهنگ با احساسات و عواطف گوینده.
- قواعد نحوی و آوایی: مانند ارتباط جمله‌ها، عناصر آن‌ها، زمان افعال .
- کلمات و تعبیر و معنای وضعی و مجازی آن‌ها، مانند: استعاره‌ها، کنایات

۲. مفهوم ذاتی: سبک از نظر این مفهوم عبارت است از: شیوهی بیان متمایز یک نویسنده از میان نویسندگان، یا یک عصر از عصرهای دیگر و یا یک هنر از هنرهای دیگر می‌باشد که به امور زیر می‌پردازد:

- ارتباط بیان با شخصیت نویسنده، بوفون می‌گوید: «سبک همان خود شخص است»
- ارتباط بیان با موضوع
- ارتباط بیان با محیط زندگی و اجتماعی

پیر جیرو میان این دو مفهوم ارتباط برقرار نمود و سبک را این‌گونه تعریف می‌کند: «سبک همان شکل متن است که از گزینش ابزارهای بیانی مرتبط با شخصیت و احساسات نویسنده، به وجود می‌آید.» این تعریفی گسترده است که هم عنصر بیان و شکل آن و هم سرشت و شخصیت نویسنده را در بر می‌گیرد (بوملحم، ۲۰۰۰م: ۸-۶).

با توجه به کاربرد دو مفهوم شکلی و ذاتی در تعریف سبک و تلفیق این دو مفهوم در تعریف پیر جیرو، سبک به موارد زیر می‌پردازد:

- عناصر شکلی و ظاهری متن یعنی، آوا، کلمات، جملات و تعابیر مجازی و بلاغی
- عوامل متمایزکننده‌ی سبک یعنی، شخصیت و اندیشه‌ی نویسنده و موضوع آن.

### سبک‌شناسی:

بنابر تعریفی که در معجم ادبی آمده است: «سبک‌شناسی (Stylistique)، عبارت است از روش علمی که برای شناخت چگونگی تعبیر از آنچه که در ذهن می‌گذرد، مورد استفاده قرار می‌گیرد. این علم با زبان‌شناسی متفاوت است؛ زیرا زبان‌شناسی فقط به فراهم آوردن موادی که متکلم یا نویسنده برای بیان افکار خود به آن نیازمند است، می‌پردازد، در حالی که، سبک‌شناسی روشی است برای پی بردن به چگونگی انتخاب این مواد برای رسیدن به نوع خاصی از تأثیرگذاری در شنونده یا خواننده. در این مجال باید به قواعد مختلفی همچون، لفظی، صرفی، نحوی و بیانی توجه داشت.» (عبدالنور، بی‌تا: ۲۰).

سبک‌شناسی، کشف ارزش‌های زیبای آثار ادبی از طریق تحلیل پدیده‌های زبانی و بلاغی است که به صورت عینی انجام می‌شود (رمانی، ۱۹۸۵م: ۴۱).

أبو العدوس درباره‌ی سبک‌شناسی می‌گوید: «سبک‌شناسی مکتب زبانی است که به بررسی متن ادبی از خلال عناصر زبانی و بلاغی آن می‌پردازد و زبان و بلاغت را همانند پلی برای وصف متون ادبی به کار می‌گیرد.» (أبو العدوس، ۲۰۰۷م: ۵۱).

سبک‌شناسی قائل به این است که زبان، وسایل و ابزار متنوعی برای بیان فکر، ارائه می‌دهد که گزینش یک بیان خاص از میان بیان‌های مختلف به عهده‌ی شخص می‌باشد به گونه‌ای که مطابق با اندیشه و هدف او، بیان مشخصی به کار می‌رود؛ بنابراین، سبک‌شناسی گفتگوی دائم میان خواننده و نویسنده است که از خلال متن معینی، در چهار سطح، متن، جمله، کلمه و آوا، صورت می‌گیرد (عزّه، ۱۹۸۶م: ۸۷).

از میان تعاریف مختلف درباره‌ی سبک‌شناسی، اکثر پژوهشگران بر این امر متفق‌اند که سبک‌شناسی عبارت است از «تحلیل زبانی ساختار متون» (الأبطح، ۱۹۹۴م: ۱۱).

«سبک‌شناسی (علم الأسلوب، الأسلوبية)، با ایجاد زبان‌شناسی نوین و پیشرفت آن به وجود آمد و ایجاد شد، که در ابتدای کار، شیوه‌ای از شیوه‌های زبانی بود که در بررسی متون ادبی کاربرد داشت؛ از این رو، بیش‌تر پژوهشگران آن را شیوه‌ی الهام شده از شیوه‌های زبانی و شاخه‌ای از شاخه‌های زبان‌شناسی عمومی می‌دانند» (عیاد، ۱۹۸۱م: ۱۲۴)؛ به همین سبب آریفای (Arive) می‌گوید: «إنّ الأسلوبية وصف النص الأدبي حسب طرائق مستقاة من اللسانيات» (المسدي، بی‌تا: ۴۸).

ترجمه: سبک‌شناسی، توصیف متن ادبی است، به وسیله‌ی کاربرد ابزارهای زبان‌شناسی.

ارتباط میان سبک‌شناسی و پژوهش‌های زبانی این فرضیه را ثابت می‌کند که سبک‌شناسی، دانش است و متن ادبی همان متن زبانی است که بدون تحلیل ارتباط‌های زبانی آن نمی‌توان به گُنه آن دست یافت؛ زیرا این تحلیل ما را برای فهم معانی مختلف و عاطفه‌ی پنهان متن که در خوانندگان اثر می‌گذارد، راهنمایی می‌کند. این امر ثابت می‌کند که ارزش کار و اثر ادبی از خلال متن آن روشن می‌شود؛ بنابراین، بدیهی است که سبک‌شناسی برای تحلیل متن از شیوه‌های زبان‌شناسی

جدید استفاده کند و با آن از حیث ابزار مشترک باشد اما تمایز میان این دو، این است که زبان-شناسی اثر ادبی را مانند متن زبانی و از نظر پیام‌رسانی با سایر متون یکسان می‌داند ولی از نظر سبک‌شناسی اثر ادبی با سایر متون از نظر وظایف متفاوت است؛ از جمله این‌که اثر ادبی با گزینش معانی خاص، احساس خاصی را به خواننده منتقل می‌کند و بر عواطف و احساسات خواننده اثر می‌گذارد؛ از این رو، سبک‌شناسی پژوهشی است برای یافتن ابعاد این معانی و توصیف آن‌ها، که تنها راه برای رسیدن به این امر، بررسی متن اثر، از خلال ساختار بلاغی و ارتباط‌های زبانی می‌باشد (عیاد، ۱۹۸۱م: ۱۲۴).

### تحلیل سبک‌شناسی:

زبان‌شناسان عرب بیش از ۱۳ قرن، بیان زبانی را در سطوح متنوع، آوا، کلمه و جمله قرار داده‌اند (عبدالله جبر، ۱۹۸۸م: ۱۵). این سطوح به دلیل پرداختن به واژه‌ها از نظر حروف، حرکات، اصوات آن‌ها، و ارتباط آن‌ها با یکدیگر و بررسی کلمه در جایگاهی که استعمال شده است و مطابقت آن با معنا و نظم جمله، نقش اساسی را در بیان دارند (صادق الرافی، ۱۹۶۱م: ۳۴۲)؛ از این رو، سبک‌شناسان از این سطوح برای تحلیل متن ادبی استفاده می‌کنند:

سطح آوا: به بررسی ساختار آواها مطابق با مخارج حروف و ارتباط آن‌ها با معنا می‌پردازد.

سطح صرفی: بارزترین متغیرهای متن، کلمات می‌باشند؛ از این رو، سبک‌شناسان برای شمارش و آمار و بررسی ساختار صرفی و ویژگی‌های معنایی متن، به کلمات متن توجه دارند.

سطح نحوی: این سطح بیش‌تر به تحلیل جمله می‌پردازد. جمله تنها وصف زبانی در سطح نحوی می‌باشد؛ از این رو، شایسته است که به ترکیب‌ها و گونه‌های نحوی از نظر ارتباط آن‌ها با متن و با عناصر دیگر متن توجه شود (عبدالله جبر، ۱۹۸۸م: ۱۸-۱۶).

از سوی دیگر با توجه به مفهوم ذاتی و کاربرد بلاغت در سبک‌شناسی، یکی دیگر از سطوحی که سبک‌شناسان برای تحلیل متن به کار می‌گیرند، سطح بلاغی اثر است:

سطح بلاغی: این سطح به سبب کوتاه کردن تعبیرها برای بیان معانی شاخص است که به صورت تشبیه، مجاز، استعاره، کنایه و غیره کاربرد دارد (صادق الرافی، ۱۹۶۱م: ۳۴۳).



## فصل دوم:

### حج

• لغت و اصطلاح حج

• حج در گفتار و نوشتار

• حج و سبک

## لغت و اصطلاح لحن

واژه‌ی لحن ریشه‌ی عربی دارد که در زبان عربی معانی متفاوتی از آن ارائه شده است؛ از جمله می‌توان به معانی زیر اشاره کرد:

۱. **دانایی و فهم:** ( ) یعنی، مرد فهیم و دانا.
۲. **توریه و کنایه:** ابن درید می‌گوید: «إِنَّ أَوَّلَ اللَّحْنِ أَنْ تَرِيدَ الشَّيْءَ فَتُورِي عَنْهُ بِقَوْلٍ آخِرٍ» اصل لحن در این است که چیزی را بخواهی اما آن را در قالب سخن دیگر پنهان کنی (ر.ک: القایی، بی‌تا، ج ۱: ۵؛ ابن درید، ۱۹۹۰م: ۱۶ و ۱۵).
۳. **معنی و فحوای سخن:** مانند سخن خداوند متعال ( وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ ) محمد/۳۰ (لَحْنِ الْقَوْلِ)، یعنی آن‌ها را با ویژگی‌هایی که در سخنانشان ظاهر می‌شود، از طریق کلمات و بخش‌های گفتارشان، می‌شناسی؛ زیرا، آنچه که درون قلبهایشان است، در زوایای سخنانشان آشکار می‌شود و از طریق زبان تراوش می‌شود (ر.ک: الغرناطی الکلبی، ۱۹۸۳م، ج ۴: ۵۰؛ المصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۰: ۱۷۸). زمخشری نیز واژه‌ی لحن را در این آیه به معنای شیوه و اسلوب سخن تفسیر می‌کند (الزمخشری، ۱۴۰۷هـ ج ۴: ۳۲۷).
۴. **خطا در زبان:** ( ) یعنی در اعراب خطا و اشتباه وجود دارد (ر.ک: القالی، بی‌تا، ج ۱: ۵، الزمخشری، ۱۹۲۳هـ، ۴۰۶).
۵. **غنا و تجوید در سخن:** مانند این بیت از علی بن عمیره الجرمی:

(القالی، بی- /

تا، ج ۱: ۷).

لحن در صدر اسلام به معنای (لَحْنِ الْقَوْلِ) کاربرد داشت. با فراگیر شدن اسلام و اختلاط عرب و عجم، لحن به معنای (خطا در زبان) رایج شد و در عصر عباسی، جایگاه نحو و نحوین رفیع شد؛ از این رو، این معنا از دیگر معانی پرکاربردتر شد (وهبه، المهندسی، ۱۹۸۴م: ۳۱۶). در این پژوهش منظور از لحن، (لَحْنِ الْقَوْلِ) یا (فحوا و معنای کلام) می‌باشد. معادل این واژه در فرهنگ اصطلاحات ادبی واژه‌ی (Tone) می‌باشد، که ذیل آن ذکر شده است: «کلماتی که

نویسنده انتخاب می‌کند، به همان اندازه که بیانگر جنبه‌های تصویری و استدلالی هستند، می‌تواند مفهوم حالت یا حال و هوای خاصی را برساند که قطعه‌ای یا جمله‌ای باید به آن حالت بیان شود، با عصبانیت، با عجز و لابه، به طور یکنواخت، با بدگمانی، با آب و تاب، به صورت لطیفه و در کل، تمامی خصوصیات خلقی و تربیتی؛ بنابراین، لحن مفهوم انتقادی است و می‌توان از آن دریافت که ادبیات نیز همانند گفتار، نیازمند گوینده و مخاطب است، لحن حالتی است که توسط گوینده به مخاطب القا می‌شود و از نوع ترکیب و واژگانی که گوینده به کار می‌برد، ساخته می‌شود. در نهایت برای درک کامل اثر، اساسی است که لحن آن یا مجموعه لحن‌هایش را تشخیص داد» (گری، ۱۳۸۲: ۳۳۱) به عبارت دیگر، «لحن حالتی است که گوینده ادبی، نظرش را برای شنونده بیان می‌کند، یعنی این که آیا به مخاطب از منظری بالاتر یا پایین‌تر، متخاصم یا دوستانه، تهدید آمیز یا همراه لطف و امثال آن نگاه می‌کند» (کزازی، ۱۳۸۸: ۴۹۱).

شاید بتوان، معادل لحن به معنای اصطلاحی آن را در زبان عربی واژه‌ی «التعبیر» قرار داد؛ زیرا در تعریف این واژه ذکر شده است: *إنّ التعبير فعلٌ يعبر عن الفكر بوساطة اللغة و للتعبير قيمة ثلاثية:*

- القيمة المفهومية أو العامة، و هي منطق التعبير.
- القيمة التعبيرية، و هي غير شعورية تقريباً، و تقوم على النظام الإجتماعی و النفسي و الفيزيولوجی.
- القيمة الإنطباعية أو القصدية: و هي قيمة جمالية، و أخلاقية، و تعليمية للتعبير. و يجب أن نميز هنا بين القصدية المباشرة و الطبيعية، و بين القصدية الثانية و المقلدة للفنان أو للممثل. و تشكل القيمتان الأخيرتان قيماً أسلوبية. و إذا كانت طريقة اللفظ و درجة الصوت في جملة «أشكركم» تعبّر عن التقدير و السخرية و الضحك، و الرفعة، الخ، فلأن ثمة طرقاً عديدة لنطق هذه الجملة- و ينطبق هذا الأمر على ما نمتلكه من كلمات و بنى النحوية متعددة نسخرها للتعبير عن فكرة واحدة (جيرو، ۱۹۹۴م: ۵۲-۵۱).

تعبیر عبارت است از بیان فکر به وسیله‌ی زبان، که از سه جهت ارزشمند می‌باشد:

- ارزش مفهومی یا عمومی، که همان ماهیت تعبیر است.
- ارزش بیانی که تا حدودی ناخودآگاه است و بر پایه نظام اجتماعی، روانشناسی و محیطی نویسنده می‌باشد.

- ارزش احساسی و خودآگاه که همان ارزش زیبا شناسی، اخلاقی و آموزشی است. باید میان بیان آگاهانه و بی واسطه و طبیعی و بیان آگاهانه با واسطه و تقلیدی هنرمند یا نویسنده تمایز قائل شد مثلاً نحوه بیان الفاظ و میزان صدا در عبارت (أشکرکم) می‌تواند بیانگر سپاسگذاری، تمسخر، خنده و یا احترام و ... باشد؛ بنابراین، شیوه‌های مختلفی برای بیان این عبارت وجود دارد که این امر با کلمات و ساختارهای نحوی گوناگونی که برای بیان یک اندیشه به کار می‌گیریم هماهنگ است.»

«در نقد و ادب معاصر فارسی، لحن، عبارت است از نگرش و احساس گوینده یا نویسنده نسبت به محتوای پیام که از طریق فضا سازی زبان ایجاد می‌شود و از ارکان اساسی هر اثر ادبی است؛ زیرا هر گونه عکس‌العملی از سوی خواننده یا شنونده وابسته به لحن است. انتخاب لحن درست از طرف گوینده و درک درست آن از طرف خواننده بسیار حائز اهمیت است و در دو گفته‌ای که از نظر واژه و ترکیبات و ساختار جمله‌ها عیناً مثل هم هستند، تنها، لحن یاریگر خواننده در بروز عکس‌العمل ناشی از تأثیر کلام است. در حقیقت، لحن تظاهر لفظی و بیانی احساس و عاطفه‌ی گوینده است. یا می‌توان گفت لحن برجستگی از احساس و عاطفه است که گوینده بر کلام خود می‌زند، مثلاً کلام خود را به گونه‌ای بیان می‌کند که از نوع واژه‌ها و ترکیب عبارت‌ها و جمله‌ها، آن حالت عاطفی که هنگام شکل گرفتن آن کلام بر گوینده عارض شده، همراه با آن به مخاطب منتقل شود» (عمرانی‌پور، ۱۳۸۴: ۱۲۹-۱۲۸).

لازم به ذکر است که در فرهنگ لغات انگلیسی-عربی ذیل واژه‌ی (Tone)، واژه‌های نظیر:»

« ذکر شده است (ر.ک: کوان، بی تا: ۱۹۸۱؛ الکریمی، ۱۹۹۱: ۱۰۶۲)

و غالباً گمان می‌شود (لحن) همان آهنگ سخن (التنغیم) است، این در حالی است که (التنغیم) یکی از قرینه‌های لفظی تشخیص فحوا و معنای کلام یا (لحن القول) (ر.ک: حستان، ۱۹۹۴م: ۲۲۶؛ حماسه، ۱۹۸۳م: ۱۱۷).